یادداشت

استدلال‌های خطرناک آقای وزیر!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

وزیر نیرو روز چهارشنبه در مراسمی موسوم به «پویش توزیع و نصب لوازم کاهنده مصرف آب در استان تهران»، مدعی شد «مشکل برق به زودی حل می‌شود و کسانی که می‌گویند برق یک منطقه بیشتر قطع می‌شود، باید در نظر داشته باشند برق به صورت منطقه‌ای تولید می‌شود». بخش نخست در مورد وعده حل مشکل برق را می‌گذاریم کنار دیگر وعده‌ها، اگر آنها عملی شده پس این یکی هم عملی می‌شود. فعلاً این موضوع محل بحث ما نیست. بخش دوم اظهارات آقای وزیر محل بحث است. نخست آنکه تا دیروز می‌گفتند برق همه کشور به صورت عادلانه و به یک میزان قطع می‌شود اما به برکت رسانه‌های ریزودرشت مستند اعلام شد که برق روستاها و شهرهای کوچک به مراتب بیشتر از تهران و پایتخت قطع می‌شود و حتی در تهران هم خاموشی طبقاتی داریم، ۱۶اردیبهشت امسال هم در مطلبی با عنوان «خاموشی‌های طبقاتی!» گفتیم «تبعیض وزارت نیرو در قطعی برق مشترکان مناطق مختلف تهران، شهرستان‌ها و روستاها بیشتر از خاموشی‌ها مردم را آزار می‌دهد» اما توانیر در جوابیه‌ای مدعی شد «هیچ تبعیضی در خاموشی‌ها وجود ندارد»، حالا آقای وزیر «خاموشی طبقاتی» را پذیرفته، اما استدلال عجیبی آورده است. موضوع به استدلال خطرناک برمی‌گردد، از آن دست استدلال‌هایی که اگر باب شود هر نوع کمبود را به ویژگی آن منطقه می‌شود حواله داد. این سخن از چند جهت خطرناک است.

نخست، پذیرش اصل وجود تبعیض، اما با یک توجیه شبه‌علمی. وقتی مسئول عالی‌رتبه وزارت نیرو به‌جای رفع نابرابری، آن را طبیعی جلوه می‌دهد، یعنی نابرابری به رسمیت شناخته شده و احتمال اصلاح آن کاهش می‌یابد. دوم، گشودن راهی برای توجیه هر کمبود دیگری. اگر این استدلال پذیرفته شود که چون برق «منطقه‌ای تولید» می‌شود، پس می‌توان خاموشی را بر گردن «ویژگی منطقه‌ای» انداخت، چرا فردا نگوییم آب شرب یک منطقه هم چون از منبع محلی تأمین می‌شود، طبیعی است که بی‌کیفیت یا کم‌فشار باشد؟ یا در حوزه گاز و بنزین و اینترنت نیز هر کمبود را با این استدلال توجیه کنیم؟ در نهایت، نتیجه چنین نگرشی پذیرش تبعیض ساختاری و گسترش بی‌عدالتی در خدمات عمومی است.

درک فلسفه وجودی نهادهایی چون وزارت نیرو دشوار نیست. فلسفه اصلی این دستگاه‌ها توزیع عادلانه و پایدار منابع حیاتی است، نه صرفاً تولید و توجیه کمبودها. برق، آب و گاز از حقوق اساسی شهروندان به شمار می‌آیند و دولت موظف است شرایطی فراهم کند که این خدمات با کیفیت برابر به همه نقاط کشور برسد. برق منطقه‌ای یا ملی، تفاوتی در اصل ماجرا ندارد. مردم مالیات و عوارض می‌پردازند، تعرفه مشترک می‌دهند و انتظار دارند در مقابل، خدمات برابر دریافت کنند. اینکه وزارت نیرو بگوید چون یک نیروگاه در فلان منطقه کم‌توان است، پس آن منطقه باید بیشتر در تاریکی بماند، چیزی جز فرافکنی نیست. مدیریت ملی یعنی جبران کمبودهای یک منطقه با ظرفیت‌های دیگر و تقسیم عادلانه بار مشکل، نه انداختن بار آن بر دوش ضعیف‌ترین گروه‌ها.

واقعیت میدانی نشان داده است که خاموشی در روستاها و شهرهای کوچک به مراتب بیشتر از تهران و کلانشهرهاست. دلیل اصلی هم فشار افکار عمومی در شهرهای بزرگ است و البته منافع اقتصادی که اقتضا می‌کند برق مراکز تجاری و مناطق برخوردار کمتر قطع شود. نتیجه این سیاست اما چیزی جز تعمیق شکاف شهری-روستایی نیست. در تهران نیز مناطق شمالی شهر، خاموشی‌های بسیار کمتری تجربه کرده‌اند، این یعنی حتی در یک کلانشهر واحد هم توزیع نابرابر وجود دارد. شهروندی که در جنوب شهر زندگی می‌کند، همان تعرفه‌ای را می‌پردازد که همتای او در شمال شهر پرداخت می‌کند، اما سهم بیشتری از خاموشی دارد. این دقیقاً مصداق «خاموشی طبقاتی» است. وزارت نیرو خیلی کوشید این واقعیت را انکار کند، اما اکنون با سخنان وزیر نیرو، عملاً به‌طور ضمنی تأیید شده است.

بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی، آثار اجتماعی خطرناکی دارد. وقتی مردم احساس کنند به خاطر محل سکونت یا طبقه اجتماعی‌شان از خدمات کمتر یا ضعیف‌تری برخوردارند، اعتماد عمومی به دولت فرومی‌ریزد وای بسا وضعیت فعلی اعتماد افکار عمومی به دولت‌ها، ناشی از همین تفکر نکبت است. بی‌عدالتی در امور روزمره مانند آب و برق، به مراتب بیشتر از بی‌عدالتی‌های کلان اقتصادی بر روان و احساسات مردم اثر می‌گذارد. خاموشی‌های تبعیض‌آمیز، شهروندان را به این نتیجه می‌رساند که ارزش آنها نزد حاکمیت کمتر از دیگران است. این احساس، زمینه‌ساز نارضایتی عمیق و گاه بروز واکنش‌های اجتماعی گسترده خواهد بود.

آیا وظیفه وزیر و مدیران وزارت نیرو، مدیریت بحران و کاهش مشکلات است یا توجیه کمبودها با استدلال‌های عجیب؟ اگر بنا بر پذیرش استدلال «منطقه‌ای بودن» است، پس اساساً نیازی به وجود وزارت نیرو در سطح ملی چیست؟ هر منطقه خودش با نیروگاه محلی‌اش کنار بیاید و دولت هم دیگر پاسخگو نباشد! چنین نگاهی عملاً نفی فلسفه مدیریت ملی و شانه خالی کردن از مسئولیت است. در زمان بحران انرژی، اصل بر تقسیم عادلانه سختی‌هاست. باید هنگام قطعی برق، برنامه زمانبندی واحد و شفاف اعلام شود و همه مناطق به‌طور برابر سهمی از خاموشی داشته باشند. این عدالت نسبی، تحمل مردم را بیشتر می‌کند، اما وقتی یک منطقه دائماً قربانی شود و منطقه دیگر در رفاه بماند، طبیعی است که نارضایتی به سرعت گسترش یابد.

سخنان اخیر وزیر نیرو بیش از آنکه پاسخ به یک پرسش باشد، پرده از یک نگرش خطرناک برمی‌دارد؛ نگرشی که به جای تلاش برای عدالت، تبعیض را طبیعی و قابل‌قبول جلوه می‌دهد. این رویکرد اگر رواج یابد، می‌تواند به عادی‌سازی نابرابری در حوزه‌های گوناگون بینجامد؛ از آب و برق گرفته تا گاز و اینترنت. در چنین شرایطی، شهروندان کم‌برخوردار بیشترین فشار را متحمل می‌شوند و فاصله طبقاتی و جغرافیایی عمیق‌تر خواهد شد. وظیفه دولت و وزارت نیرو اما چیزی جز این است. مردم حق دارند از خدمات عمومی به‌طور برابر برخوردار باشند. توجیه کمبودها با استدلال‌های شبه‌علمی، تنها بی‌اعتمادی و نارضایتی را افزایش می‌دهد. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شفافیت، عدالت و مدیریت واقعی هستیم، نه استدلال‌های خطرناک.

آقای رئیس‌جمهور بارها در سخنرانی‌های خود بر «عدالت اجتماعی» تأکید کرده‌اند و آن را محور سیاست‌های دولت دانسته‌اند، اما تجربه میدانی مردم و حتی اظهارات اخیر وزیر نیرو نشان می‌دهد این شعار در عمل با چالش جدی مواجه است. عدالت اجتماعی یعنی هر شهروند، فارغ از محل سکونت و طبقه اجتماعی، از حقوق و امکانات پایه‌ای به شکل برابر برخوردار باشد. آب، برق و گاز نه کالای لوکس بلکه نیاز حیاتی و حق اولیه مردم است. وقتی روستایی یا شهروند ساکن مناطق کم‌برخوردار باید ساعت‌ها بیشتر از سایرین خاموشی را تحمل کند، این عدالت اجتماعی نیست، تبعیض آشکار است. آقای رئیس‌جمهور! عدالت اجتماعی تناسبی با این نگاه ندارد که کمبودها و کاستی‌ها را «ویژگی منطقه‌ای» بنامیم و بر گردن مردم همان مناطق بیندازیم. اگر قرار باشد هر منطقه به حال خود رها شود و خدمات عمومی بر اساس موقعیت جغرافیایی یا سطح اقتصادی محله‌ها توزیع شود، پس نقش دولت مرکزی چه می‌شود؟ مردم چه دلیلی دارند که همچنان به شعار عدالت اعتماد کنند؟ عدالت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که سختی‌ها و کمبودها هم به شکل عادلانه تقسیم شود و دولت با مدیریت ملی، ضعیف‌ترین اقشار را در اولویت حمایت قرار دهد.

تولید نفت اگرچه رکورد تازه‌ای را ثبت کرده اما بدون رکوردشکنی مشابه در تکمیل زنجیره ارزش، یک موفقیت ناقص است

شاهرگ نفتی ایران در دستان پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها

گزارش
سعیده زمانی

تولید نفت‌خام در ابتدای شهریورماه سال جاری به بالاترین سطح خود در ۷/۵سال اخیر رسیده؛ اقدامی که در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی از اهمیت بیشتری برخوردار است، با این حال این موفقیت بدون رکوردشکنی مشابه در تکمیل زنجیره ارزش باعث تداوم خام‌فروشی شده و یک دستاورد ناقص است.

۱۱۷سال پیش و زمانی که نخستین چاه نفت در ایران فوران پیدا کرد کسی تصور نمی‌کرد این مایع سیاه بدبو به مهم‌ترین منبع درآمدی کشور تبدیل شود. از آن سال‌ها تغییرات زیادی در کشور ایجاد شده اما یک چیز ثابت باقی مانده و آن وزن بالای خام‌فروشی در سبد انرژی کشور است.

■ ناپایداری منابع نفت در تنش‌ها و تحریم‌ها

فروش نفت‌خام اگرچه توانسته است به منبعی مهم برای درآمدزایی دولت‌ها تبدیل شود، اما این منابع ناپایدار بوده و با کوچک‌ترین لرزش دستخوش تغییر می‌شود؛ روزی کاهش قیمت نفت و روزی تحریم‌ها و چکاندن ماشه.

بر این اساس توصیه کارشناسان همواره بر تکمیل زنجیره ارزش در حوزه انرژی بوده است تا همپای تولید و صادرات نفت، از خام‌فروشی فاصله بگیریم و درآمدهای قابل توجهی را محقق کنیم. منظور از زنجیره ارزش، مسیری است که یک ماده خام طی می‌کند تا به محصولاتی با ارزش افزوده بالا تبدیل شود.

یک بشکه نفت‌خام، اگر مستقیم فروخته شود، تنها قیمت روز بازار را به منابع کشور اضافه می‌کند اما همان بشکه، اگر در پالایشگاه به فرآورده تبدیل شود، ارزشش چندین برابر می‌شود.

■ ناهمخوانی سهم فرآورده‌های پتروشیمی و پالایشی با ظرفیت نفت

طبق داده‌های جدید وزارت نفت، ظرفیت تولید نفت ایران در نیمه نخست ۱۴۰۴ حدود ۳/۵میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود که با توجه به محدودیت‌های صادراتی، بخشی از آن در مصرف داخلی و بخشی در صادرات با شرایط خاص مصرف می‌شود. در حوزه گاز نیز تولید روزانه به مرز هزارو ۴۰میلیون‌مترمکعب رسیده که بخش عمده آن به مصرف داخلی، به ویژه بخش خانگی و نیروگاهی اختصاص دارد، با وجود این حجم تولید، مشکل اصلی کشور عدم‌شکل‌گیری کامل زنجیره ارزش است، به طوری که سهم فرآورده‌های پتروشیمی و پالایشی با ارزش افزوده بالا هنوز متناسب با ظرفیت منابع نیست.

■ چرا زنجیره ارزش نفت کامل نیست؟

پاسخ به این سؤال به مصائب ناشی از کمبود منابع در بودجه بازمی‌گردد، در کنار آن تحریم‌ها نیز نقش مهمی در کاهش سرمایه‌گذاری داشته‌اند. در سال ۱۴۰۴ با وجود برخی همکاری‌های محدود با شرکت‌های چینی و روسی، همچنان شکاف فناوری میان ایران و پیشرفته‌ترین بازیگران صنعت پابرجاست.

تکمیل زنجیره ارزش بدون دسترسی به حفاری افقی، تزریق گاز هوشمند، سیستم‌های هوش مصنوعی نظارت بر مخازن و بهینه‌سازی فرایندهای پالایشی دشوار خواهد بود.

با همه مواردی که به آن اشاره شد اما به باور بسیاری از کارشناسان حوزه انرژی، واقعیت کم‌توجهی به زنجیره ارزش و تداوم خام‌فروشی نفت، نبود یک نقشه راه منسجم است.

ساختار زنجیره ارزش در کشور نامتوازن بوده، خوراک پایدار صنایع پایین دستی تضمین نشده و جای حلقه‌های فناوری پیشرفته خالی است.

بر این اساس مشاهده می‌شود که صادرات خام بر فروش داخلی خوراک باارزش به صنایع پایین‌دستی ارجحیت دارد، این در شرایطی است که بخش بزرگی از ظرفیت اقتصادی منابع زمانی آزاد می‌شود که نفت و گاز نه به شکل خام، بلکه به صورت سوخت فرآورش‌شده، محصولات پتروشیمیایی و مواد شیمیایی پیشرفته وارد بازار شوند. این تغییر، هم منطق اقتصاد مقاومتی را تقویت می‌کند و هم کشور را از دام نوسانات بازار جهانی نجات می‌دهد.

■ چالش‌های توسعه زنجیره ارزش

حسن عباس‌زاده، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سومین همایش زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی ایران با تأکید بر واکاوی چالش‌های توسعه زنجیره ارزش گفت: در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ زنجیره ارزش بررسی و ضمن تعریف نیازهای توسعه صنعت پتروشیمی کشور تمرکز بیشتری بر موضوع تکمیل زنجیره ارزش شد. وی با اشاره به اینکه برنامه هفتم توسعه بر توسعه هدفمند زنجیره‌های ارزش صنعت پتروشیمی تمرکز دارد، افزود: وظیفه صنعت پتروشیمی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی این است که افزون بر افزایش ظرفیت حجمی صنعت از حدود ۹۶/۶میلیون تن به ۱۳۱میلیون تن، ان‌شاءالله در پایان برنامه هفتم به‌طور ویژه در توسعه هر یک از زنجیره‌ها نیز پیشرفت کند، به طوری که برای هر کدام از زنجیره‌ها هدف‌های کمی مشخص شده است.

عباس‌زاده درباره چالش تأمین سرمایه طرح‌های زنجیره ارزش گفت: تأمین سرمایه این طرح‌ها باید در کلان توسعه صنعت پتروشیمی دیده شود و تا سرمایه بالادست طرح زنجیره انجام نشود، پایین‌دست آن تکمیل نمی‌شود.

وی نبود تجربه اجرای طرح‌های زنجیره ارزش را از دیگر چالش‌های تکمیل زنجیره ارزش پتروشیمی دانست که سرمایه‌گذاران رغبت ورود به طرح را ندارند و تصریح کرد: شرکت‌های بخش خصوصی واقعی که ریسک بیشتری را می‌پذیرند و ورود به این طرح‌ها می‌کنند، مناسب‌تر هستند. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با تأکید بر اینکه محیط کسب‌وکار در صنعت پتروشیمی متناسب با طرح‌های زنجیره ارزش تغییر نکرده است، گفت: قواعد و قوانین باید متناسب با زنجیره ارزش باشد که در این زمینه تلاش‌های زیادی شده است.

■ «سیاستگذاری، سرمایه و فناوری» ۳ضرورت مهم در تحقق تکمیل زنجیره ارزش

صنعت نفت و گاز ایران همچنان موتور اصلی اقتصاد کشور و تأمین‌کننده اصلی درآمدهای ارزی است، اما در سال جاری بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های ساختاری، محدودیت‌های خارجی و تغییرات بنیادین بازار جهانی انرژی روبه‌رو است. مرور آمارها و روندها نشان می‌دهد اتکای صرف بر صادرات نفت‌خام در شرایط بی‌ثبات تحریم‌ها و نوسانات قیمت، نه تنها پایداری اقتصادی را تهدید می‌کند، بلکه فرصت‌های کلان کشور برای ایجاد ارزش افزوده و اشتغال پایدار را نیز از بین می‌برد.

آنچه از اهمیت زیادی برخوردار است، توجه به این مسئله است که تحقق تکمیل زنجیره ارزش نسخه پیچیده‌ای داشته و نیاز به سرمایه، فناوری و مهم‌تر از همه ثبات سیاستگذاری دارد.

پیشرفت در این مسیر از اتاق فکر سیاستگذاران آغاز و به کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها و اسکله‌های نفتی و گازی ختم می‌شود.

باید پروژه‌های بالادستی و پایین دستی باهم پیش بروند، یعنی قبل از آغاز استخراج، صنایع تکمیلی و بازار فروش محصولات‌شان برنامه‌ریزی شده باشند. از سویی دیگر تأثیر تکمیل زنجیره ارزش را نباید صرفاً در قالب چند شاخص اقتصادی خلاصه کرد؛ این تغییر یک دگرگونی راهبردی در موقعیت اقتصادی و سیاسی کشور ایجاد می‌کند. کشوری که بتواند بخش بزرگی از میادین مشترک خود را توسعه دهد و فرآورده‌های متنوع به بازار عرضه کند، قدرت چانه‌زنی بیشتری در جامعه جهانی خواهد داشت.

نکته

اگر نمی‌توانید مدیریت را واگذار کنید

صنعت پتروشیمی یکی از راهبردی‌ترین و پرسودترین بخش‌های اقتصاد به شمار می‌رود، اما با این حال همواره درگیر مسئولانی است که معمولاً انتصاب آنها بیشتر از رابطه پیروی می‌کند تا ضابطه.

مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس اخیراً در نشستی سخنانی بر زبان آورد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. او توسعه پتروشیمی را صرفاً در گرو «خصوصی‌سازی واقعی» دانست و در ادامه، مشکل قطعی گاز در زمستان را بزرگ‌ترین مانع تولید عنوان کرد!

این سخنان اگرچه در ظاهر یک تحلیل مدیریتی است، اما در باطن نوعی فرار از مسئولیت را تداعی می‌کند، گویی مدیریت در مجموعه‌ای عظیم تنها به شرطی معنا پیدا می‌کند که همه مشکلات از بیرون رفع شوند. اگر مدیری توان پیشبرد توسعه با ظرفیت‌های موجود را ندارد، چرا بر مسند مسئولیت می‌نشیند؟ خصوصی‌سازی در ادبیات رسمی مدیران اقتصادی کشور سال‌هاست به‌عنوان نسخه نجات معرفی می‌شود. بی‌تردید خصوصی‌سازی می‌تواند به افزایش بهره‌وری و جذب سرمایه کمک کند، اما وقتی مدیرعامل بزرگ‌ترین هلدینگ پتروشیمی کشور، توسعه را فقط مشروط به خصوصی‌سازی می‌کند، معنایش چیزی جز اعتراف به ناتوانی در مدیریت با ظرفیت‌های موجود نیست.

مدیریت واقعی آن است که حتی در شرایط محدودیت، مسیر رشد را بیابد و ابتکار عمل داشته باشد. وقتی مدیران به جای نوآوری، مشکلات را به گردن ساختار می‌اندازند، در حقیقت از خود سلب مسئولیت می‌کنند.

اگر توسعه تنها در گرو شرایطی ایده‌آل و خصوصی‌سازی کامل باشد، پس نقش مدیران فعلی چیست؟ شاید بهتر باشد صریح گفته شود کسانی که توان حرکت دادن مجموعه‌های عظیم ملی در شرایط سخت را ندارند، باید میدان را به نیروهای توانمندتر بسپارند.

این مسئول در بخش دیگری از سخنانش به معضل قطع گاز در زمستان اشاره کرد و آن را تهدیدی جدی برای تولید و سرمایه‌گذاری دانست. بی‌تردید این یک مشکل واقعی است، اما رویکردی که در بیان آن مشاهده می‌شود بیشتر حالت طلبکارانه دارد تا مسئولانه. وقتی نوبت به خوراک می‌رسد، همین شرکت‌ها انتظار دارند گاز را با قیمت ارزان یا حتی یارانه‌ای دریافت کنند، اما وقتی کمبود گاز به‌عنوان یک مسئله ملی مطرح می‌شود، چرا این مجموعه‌های بزرگ کمترین سهم را در کمک به حل آن ایفا می‌کنند؟ اگر قرار باشد همه سود از منابع ملی به جیب شرکت‌ها برود و همه هزینه و مشکلات بر دوش دولت و مردم بیفتد، این معادله عادلانه نیست.

باید یادآوری کرد که صنعت پتروشیمی از صفر تا صد متعلق به مردم است. خوراکی که این صنعت مصرف می‌کند، گازی است که از دل زمین‌های این کشور استخراج می‌شود؛ منابعی که سرمایه بین‌نسلی همه ایرانیان به شمار می‌رود، بنابراین طبیعی است که انتظار برود منافع حاصل از این صنعت هم در خدمت رفاه عمومی قرار گیرد، اما واقعیت این است که بخش قابل‌توجهی از درآمدهای نجومی پتروشیمی‌ها نه‌تنها به شکل مستقیم وارد سفره مردم نمی‌شود، بلکه بعضاً حتی در شفافیت مالی نیز محل سؤال است.

اگر این درآمدها همان‌طور که باید از طریق خزانه صرف توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی می‌شد، امروز بسیاری از مشکلات کشور از جمله بحران گاز تا این اندازه حاد نبود.

وقتی مدیران صنعت پتروشیمی در برابر مشکلات ملی صرفاً نقش ناظر و مطالبه‌گر را ایفا می‌کنند، معنایش این است که آنها نگاه خود را محدود به مرزهای شرکتی کرده و مسئولیت ملی خود را نادیده گرفته‌اند، در حالی که انتظار می‌رود مدیران چنین مجموعه‌های عظیمی نگاهی فراتر از یک بنگاه اقتصادی داشته باشند.

اگر مدیرعامل یک هلدینگ ملی نتواند در معضلاتی چون بحران گاز یا توسعه زیرساخت‌ها به دولت و مردم کمک کند، پس چه کسی باید این بار را به دوش بکشد؟ آیا وظیفه چنین مدیرانی فقط تقسیم سود است یا ایفای نقش در پیشبرد منافع ملی؟

صنعت پتروشیمی به جای آنکه تنها منتظر سیاست‌های دولت یا خصوصی‌سازی باشد، باید به سمت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ملی حرکت کند.

شرکت‌های بزرگ باید بخشی از درآمدهای خود را در توسعه زیرساخت‌های انرژی، گسترش شبکه‌های گازرسانی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو هزینه کنند. این نه لطفی به دولت، بلکه وظیفه‌ای در قبال مردمی است که منابع‌شان در اختیار این صنعت قرار گرفته است.

تا زمانی که مدیران صرفاً از دولت مطالبه کنند و خود را درگیر راه‌حل نکنند، مشکلات پابرجا خواهد بود و تا زمانی که مدیریت ملی به جای «خدمت» تنها به «طلبکاری» خلاصه شود، توسعه پایدار در صنعت پتروشیمی رؤیایی دست‌نیافتنی خواهد بود.

سخنان اخیر مدیرعامل پتروشیمی خلیج فارس بیش از آنکه راه‌حل ارائه دهد، نوعی شانه خالی کردن از بار مسئولیت بود. خصوصی‌سازی واقعی اگرچه می‌تواند بخشی از مسیر توسعه باشد، اما شرط لازم و کافی نیست.

«توسعه» پیش از هر چیز نیازمند مدیرانی است که مسئولیت‌پذیر باشند، به ظرفیت‌های موجود تکیه کنند و برای رفع مشکلات ملی نیز سهم خود را بپردازند.

صنعت پتروشیمی میراث مردم است؛ مردمی که حق دارند مدیرانی در رأس این صنعت ببینند که نه تنها توان اداره یک مجموعه بزرگ را دارند، بلکه دغدغه منافع ملی و رفاه عمومی را نیز در عمل نشان دهند. اگر مدیریت صرفاً در حد مطالبه از دولت باقی بماند، بهترین کار این است که جای خود را به مدیرانی داد که در کنار دانش و تخصص، شجاعت و مسئولیت‌پذیری هم داشته باشند.

خبر

تسعیر ماهانه ۳۰۰میلیون دلار صادرات فرآورده نفتی در مرکز مبادله و واریز به حساب هدفمندی

مطابق قانون هدفمندی برای سال جاری سازمان هدفمندی یارانه‌ها، ماهانه حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰میلیون دلار به صورت ریالی بعد از تسعیر در مرکز مبادله بانک مرکزی از مجموعه شرکت ملی پخش و پالایش دریافت می‌کند.

به گزارش تسنیم، در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مجموع منابع مربوط به یارانه‌ها حدود هزارو۴۶هزارمیلیارد تومان پیش‌بینی شده است. بر اساس مصوبه اخیر سازمان برنامه و بودجه، مقرر شده حدود ۲۰۰هزارمیلیارد تومان کمک زیان به سازمان هدفمندی یارانه‌ها پرداخت شود، هرچند در متن اولیه لایحه بودجه ۱۴۰۴ اشاره دقیق به رقم مشخص نشده بود. در واقع در تبصره ۱۳قید شده بود که منابع کمک زیان باید از سوی سازمان برنامه و از محل منابع عمومی دولت تأمین شود.

■ ۹۰۰هزار خارج‌نشین هنوز از فهرست یارانه‌بگیران حذف نشده‌اند

در بخش دیگر، حدود ۸۴۶هزارمیلیارد تومان منابع هدفمندی باید از محل درآمدهای عملیاتی وصول شود. این منابع عمدتاً از مسیر فرآورده‌های نفتی و گاز تأمین خواهد شد.

در منابع اولیه پیش‌بینی‌شده سازمان هدفمندی یارانه‌ها برای سال ۱۴۰۴، بخش مهمی از درآمدها از محل فرآورده‌های نفتی و گاز تأمین می‌شود.

بر اساس برآوردهای لایحه دولت، سهم قابل‌توجهی از این منابع از محل فروش بنزین (سهمیه‌ای و آزاد)، نفت‌گاز در بخش‌های مختلف شامل سهمیه‌ای، غیرسهمیه‌ای صنایع، معادن و نیروگاهی و همچنین نفت‌کوره (غیرنیروگاهی و نیروگاهی) تأمین می‌شود. علاوه بر این، گاز مایع چه به صورت عرضه در سامانه سدف و چه آزاد، یکی از پایه‌های درآمدی هدفمندی به شمار می‌رود. این ترکیب درآمدی عملاً شریان اصلی تأمین منابع ۸۶۰ همتی هدفمندی در سال ۱۴۰۴ محسوب می‌شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در پرداخت یارانه نقدی، کالابرگ و سایر تعهدات این سازمان خواهد داشت.

فراخوان ۱۹ – ۱۴۰۴
آگهی فراخوان
شناسه آگهی: ۱۹۹۲۲۷۰
نوبت اول

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین در نظر دارد یک قطعه زمین با کاربری ورزشی در اراضی شهر مهرگان به شرح جدول ذیل از طریق فراخوان عمومی در قالب ماده ۱۰۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت بصورت نقد و اقساط با شرایط (حداقل ۲۵٪ نقد والباقی در اقساط ۵ ساله) به افراد حقیقی و حقوقی واجد شرایط (دارندگان مجوز و موافقتنامه اصولی از اداره کل ورزش و جوانان) و صرفا با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیک دولت (setadiran.ir) واگذار نماید.

ردیف	پلاک ثبتی	مساحت (مترمربع)	کاربری	قیمت پایه هر متر مربع (ریال)	قیمت کل (ریال)	سپرده شرکت در فراخوان (ریال)	آدرس
۱	قسمتی از ۱۷۹۵۹ فرعی از ۳۲ اصلی بخش ۱۴	۳۰۷۷/۷	ورزشی	۴۴۰۰۰۰۰۰	۱۳۵،۴۱۸،۸۰۰،۰۰۰	۶،۷۷۰،۹۴۰،۰۰۰	مهرگان، ضلع جنوب شرقی سایت مسکن ملی (واقع در ضلع شرقی میدان بانو فاطمه (س) طبق نقشه ارائه شده در سامانه

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ و ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳ تاریخ بازدید: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳
تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴ تاریخ اعلام به برنده: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴
بدیهی است انتخاب خریدار با درنظر گرفتن توان فنی و اجرایی، بهترین پیشنهاد از نظر مبلغ و نحوه پرداخت اعم از پیش پرداخت و مدت زمان واریز اقساط در زمان کوتاه تر می باشد
شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده / فراخوان دستگاه اجرایی
■ برگزاری فراخوان صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بوده و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل دریافت اسناد مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.
■ کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در برد اعلان عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده بررسی وانتخاب می باشد.
■ علاقمندان به شرکت درفراخوان می بایست جهت کسب اطلاع از نحوه ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) به سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش ثبت نام / پروفایل مزایده گر مراجعه و با تلفن ۰۲۱-۱۴۵۶ داخلی ۵ تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین